

### نگاه

## مگر ظلم فراموش می‌شود

## سحر عصرآزاد: فیلم سینمایی «شین» درامی است دلپره‌آور یا مایه‌های ترسناک که تلاش شده با تکیه بر یک ماجرای واقعی از بستری ایرانی و اینجایی برای بسط مفهوم ظلم و تاوان سنگین آن از گذشته تا حال بهره ببرد.

گونه سینمای دلپره و وحشت، سابقه قابل اتکایی به‌واسطه ساخت فیلم‌های متعدد و ثبت تجربه‌های متنوع در ایران ندارد. در پنج دهه گذشته، به زحمت و با اغماض تعداد این آثار به عدد انگشتان دودست رسیده، به‌خصوص که همین تراکم کمی در چند سال اخیر ایجاد شده است.

اغماض از آن جهت که در بسیاری از این آثار رویکرد دلپره و ترس‌آفرینی در تداخل با ژانرهای دیگر تحت تأثیر قرار گرفته و به همین دلیل نمی‌توان آنها را صرفا در این گونه سینمایی طبقه‌بندی کرد. از نمونه‌های قابل تأمل آن می‌توان به «شب بیست‌ونهم» و «طلسم» در دهه ۶۰، «اقلیما»، «آل»، «اتیری» و «خوابگاه دختران» در دهه ۸۰ و «ماهی و کربه»، «زالاوا»، «آن شب» و «پوست» در دهه ۹۰ و ۱۴۰۰ اشاره کرد.

نگاهی اجمالی به این آثار مؤید این نکته است که مهم‌ترین چالش گونه دلپره و ترس در سینمای ایران، بومی‌سازی ترس یا به گفته بهتر، وحشت‌آفرینی با تکیه بر ریشه‌های ایرانی است. حتی وقتی قرار است الگوهای تثبیت‌شده و آشنای این ژانر در سینمای جهان وام گرفته شود. نکته اینجاست که مخاطبان امروز فیلم‌های ایرانی ارتباطی نتگانتگ با سینمای جهان و آثار قوی و ضعیف دارند و به همین واسطه ارزیابی و عیارسنجی کیفی در لحظه اتفاق می‌افتد. به این ترتیب فیلم‌ها فرصت کوتاهی برای راه پیداکردن به دل مخاطب و ایجاد انگیزه برای پیگیری و مهم‌تر از آن، همدلی و همذات‌پنداری با درام و کاراکترهای داستانی دارند. پروسه‌ای که برای یک فیلم دلپره‌آور می‌تواند حیاتی‌تر باشد؛ چراکه وقتی قلاب ایجاد جذابیت، تعلیق و کنجکاوی به درستی ذهن مخاطب را نشانه نرود، همراهی با مخاطب سرخورده از همان نقطه قطع می‌شود، نه اینکه کم‌رنگ شود! او به سالن سینما آمده تا دلپره و تعلیق تسخیرش کند و به کمتر از آن رضایت نمی‌دهد!

«شین» از آثار متأخر ساخته‌شده در این ژانر است که از یک ماجرای واقعی وام گرفته، به فلم شهرام ابراهیمی و مینم گزازی نوشته شده و با کارگردانی گزازی به عنوان اولین تجربه سینمایی ساخته شده است. فیلمی که حول محور خان‌های مرمرز و متروکه پیش می‌رود که با ورود چند تازه‌وارد، پرده از راز یا به گفته بهتر، ظلمی که در گذشته این خانه روا شده، برداشته می‌شود.

در درام‌های این چنینی که حول محور احضار گذشته در حال با تکیه بر یک مکام عینی پیش می‌رود، آنچه اهمیت پیدا می‌کند، استناد به رویدادی در گذشته است که ریشه در باورها، اعتقادات، آداب و مناسبات جاری در آن جغرافیا و زمان خاص داشته باشد.

در فیلم این‌ اصل حیاتی به درستی مد نظر قرار گرفته و با طراحی رویدادی ملتهب در گذشته که منجر به ناپدیدی و مرگ احتمالی دخترک خردسال (شیرین) شده، شاهد خوانشی آشنا از روابط و مناسبات مخدوش بین خانواده اعیان و خدمه در قدیم‌الایام هستیم که قربانی آن، کلفت خانه و دخترک نامشروع او، شیرین بوده‌اند.

دخترکی که روح سرگردانش، تاوان ظلم رفته بر خود و مادرش را در طول زمان از بازماندگان آن خانواده، برادران ناتنی‌اش، فریدون و فرامرز (جمشید هاشم‌پور و سیامک اطلسی) بازمی‌ستانند. کوبی فریدون‌خان یا دختر، نوشین (غزاله نظر) و نوه‌اش، حنا (حنا مک نلی) برای آشکارسازی این راز به خانه متروک احضار شده تا با پذیرش حقیقت با آرامش از دنیا برود.

به این ترتیب با درامی سرورکار داریم که باید تور قصه و توزیع اطلاعات گذشته در حال، به تدریج و با تمهیداتی پیش برود که لایه بیرونی داستان شکل بگیرد. این لایه اولیه قصه، همان داستان بازگشت نوشین با پدری اقلیج و خضامت و دخترش به ایران است که خط فرعی پدرشوهر (که می‌خواهد حضانت حنا را بگیرد)، پاره‌بند آنها به این خانه متروکه را به نوعی اجباری جلوه می‌دهد تا ارتباط بین گذشته و حال برقرار شود.

فیلم‌ساز تلاش کرده با طراحی سکانس ورودی (پروژه عکاسی داماد و عروس روح‌زده) که ارتباط مستقیمی با قصه نوشین ندارد، ابتدا خانه را معرفی کرده و این لوکیشن را در روندی تدریجی تبدیل به شخصیتی مرمرز کند که در رویدادهای پیرامون خود دخل‌وتصرف می‌کند؛ آن‌هم به‌واسطه ماجری که در آن اتفاق افتاده است.

این سکانس کاشت خوبی در ابتدای کار است که برداشت مناسبی از آن نشده و به گونه‌ای رها می‌شود که در انتها به نقطه ثبات نسبی هم نمی‌رسد و نقصانی در درام ایجاد می‌کند. درحالی‌که مؤلفه‌های دیگری همچون عروسک کهنه، مراحل کاشت، داشت و برداشت را به درستی طی کرده و جای خود را در روند نقب‌زدن از گذشته به حال و ارتباط بین دخترکان/ زنان پیدا می‌کند.

در طول فیلم و مسیر پهن‌شدن تدریجی تور قصه با کاراکترهای متعددی مواجه می‌شویم که به نظر می‌آید حضوری کاربردی تنها در جهت ردوبدل‌شدن اطلاعات و پیشبرد درام دارند، اما ارتباط آنها با لایه اولیه قصه به درستی برقرار می‌شود.

همچون حضور به اندازه کاراکتر شهاب حسینی، نگاه ناظر او که در خانه متروکه از دست طلبکارها مخفی شده، ابتدا شبهه‌برانگیز به نظر می‌آید. اما بعد از اعلام حضورش قرار است خیال مخاطب از وجود روح و نیرویی ماورایی در خانه راحت شود! درحالی‌که از این پس، حضور محسوس روح شیرین در خانه بیشتر خودنمایی کرده و دلپره و تعلیقی فراتر را به درام تزریق می‌کند.

در بخش میانی که قرار است نوعی ارتباط ذهنی بین نوشین و حنا با روح سرگردان شیرین در خانه برقرار و به کشف راز گذشته به‌واسطه فلاش‌بک‌های نوشین منجر شود، این روند و ریتم کلی فیلم با کندی و سؤال‌هایی پیش می‌رود.

پروسه‌ای که طی آن شاهد واکاوی نوشین در پستوهای تاریک خانه به شکل تصویری هستیم و به موازات آن شنونده روایت عمو فرامرز و فریدون‌خان در مسیر جست‌وجوی مادر شیرین و برملاشدن حقیقت هستیم. در این مسیر سؤال‌هایی به وجود می‌آید که مهم‌ترین آن، چرایی حضور نوشین در فلاش‌بک‌های گذشته، منطق این طراحی و به‌ویژه کارکرد این کشف و حضور برای کاراکتر است.

با وجود کاستی‌هایی که فیلم به جهت ریتم بخش میانی و منطق برخی پرسش‌های فیلم‌نامه‌ای با آن مواجه است، می‌توان «شین» را تجربه‌ای قابل قبول برای حرکتی رو به جلو در گونه فیلم‌های دلپره و وحشت‌آفرین ایرانی دانست.

فیلمی که امتیاز مهمی از وجوه فنی، تکنیکی و بصری وارد کار کرده، از فیلم‌برداری، طراحی صحن، لباس و موسیقی تا ترکیبی جذاب از بازیگران حرفه‌ای گذشته و حال حتی در نقش‌های فرعی با حضوری به اندازه (بازی در سکوت جمشید هاشم‌پور نمونه برجسته آن است) و کارگردانی که اولین حضورش قابل تأمل است.

**بهژاز شیرینانی**: این روزها سینماگران از موارد بسیاری به عنوان اولویت‌های سینما در دولت پیش‌رو صحبت می‌کنند؛ از رسیدگی به امنیت شغلی و معیشت هنرمندان که خواسته همیشگی اهالی سینماست، تا ایجاد بستری برای فعالیت تمامی هنرمندان و ساخته‌شدن آثاری که نیاز تمامی مخاطبان سینما را برآورده کند. در گفت‌وگوی پیش‌رو با علی‌اکبر ثقفی، یکی از تهیه‌کنندگان باسابقه سینما هم‌کلام شدیم و با او درباره اولویت‌های سینما در آینده نزدیک صحبت کردیم.

- 
- 
- 

**❗ فکر می‌کنم بد نیست در ابتدا به مشکلات بخش خصوصی و آسیب‌هایی که طی سال‌های اخیر متحمل شده بپردازیم. نگاه شما به این بخش از سینمای ایران چیست؟**

قبل از اینکه وارد این بحث که حقیقتا موضوع مهمی در سینمای ماست شویم، فکر می‌کنم باید از این حرف بزنم که اساسا از مدیران یا دولتی که سر کار هستند انتقاد نمی‌کنیم و وقتی تغییراتی اتفاق می‌افتد و جابه‌جایی انجام می‌شود و دولت به گروه دیگری واگذار می‌شود، انتقادات شروع می‌شود. این رویه از نظر من منصفانه نیست. عملکرد سینما طی چند سال گذشته هم بی‌تردید معلول علت‌هایی است. متأسفانه طی سال‌ها با این واقعیت روبه‌رو شده‌ایم که مدیریت سینما جناحی است. اما آسیب اصلی که به سینمای ایران وارد شده است را من تضعیف بخش خصوصی می‌دانم. تهیه‌کنندگان و کارگردان‌هایی که مستقل کار می‌کنند، حقیقتا ضربه‌های بزرگی را تجربه می‌کنند. برخی از این دوستان مدت‌هاست فیلمی ن ساخته‌اند و یا از فیلم‌ساختن محروم شده‌اند. من افرادی را در این سینما می‌شناسم که نزدیک ۱۰ سال است خانه‌نشین هستند. تعداد

بسیار زیادی از فیلم‌های اجتماعی ما پشت خط ارکان مانده که بسیاری از آنها محصول بخش خصوصی است. متأسفم که باید به این واقعیت اشاره کنم که برای برخی از مدیران فرهنگی ما اساسا اهمیت ندارد. از این جهت برخی از اهالی سینما فکر می‌کنند اگر هدایت امور به عهده فردی گذاشته شود که از جنس اهالی سینماست، بهتر می‌توان با آنها هم‌صحبت شد و این درک متقابل از شرایط وجود دارد. من هم با این نظر موافقم. به نظر من اگر خلاف این شرایط باشد شاید برای یک مدیر خیلی تفاوتی نداشته باشد فیلمی ارکان می‌شود یا خیر و چه سرنوشتی خواهد داشت.

**❗ البته که موضوع ارکان‌ها یکی از اتفاقاتی است که بسیاری از اهالی سینما در مورد آن نظرات متفاوتی دارند. از نمایش انبوه کمدی‌ها تا ارکان کهرمقی فیلم‌های اجتماعی یکی از انتقادهایی است که بسیاری از اهالی سینما روی آن اتفاق دارند.**

در زمان کرونا ما اتفاقات زیادی را تجربه کردیم. سینما هم تابع شرایط حکم‌فرما بر جهان رو به تعطیلی رفت و بعد از این همه‌گیری خیلی سخت بود تا شرایط را به قبل از آن برگرداند. عادت مردم برام تماشای فیلم تغییر کرد و ارکان آنلاین، جای سالن‌های سینما را گرفت. در همین شرایط ارکان فیلم‌های کمدی توانست تعداد بیشتری از مخاطبانی که عادت فیلم‌دیدن در سالن‌های سینما را ترک کرده بودند به سینما دعوت کند. اما متأسفانه فیلم‌های خوبی ارکان نشد. آثاری که اگر زمان سیف‌الله داد یا ده‌یاد ۷۰ ارکان می‌شد، درجه «ج» به آنها داده می‌شد. اما همین فیلم‌ها در لیست آثار برتر سینمای ایران جا گرفتند. من با سلیخت و نمایش فیلم‌های کمدی به‌هیچ‌وجه مخالف نیستم. ساخت فیلم کمدی قطعاً استعداد، هنر و هوش بالایی می‌خواهد. اما مهم است که فیلم کمدی خوب و سالم ساخته شود. ژانر کمدی در تمام دنیا گونه پرطرفداری است. در کشور خودمان چه پیش از انقلاب و چه پس از آن فیلم‌های بسیار خوبی در این گونه ساخته شده. اما نمی‌توان به هر فیلم کمدی مخاطب از خندان. در حال حاضر بسیاری از این فیلم‌های کمدی را نمی‌توان با خانواده دید. متأسفانه طی مدت زمانی این فیلم‌ها در سینمای ایران حاکم شده و به بیکاره موج کمدی‌سازی رونق

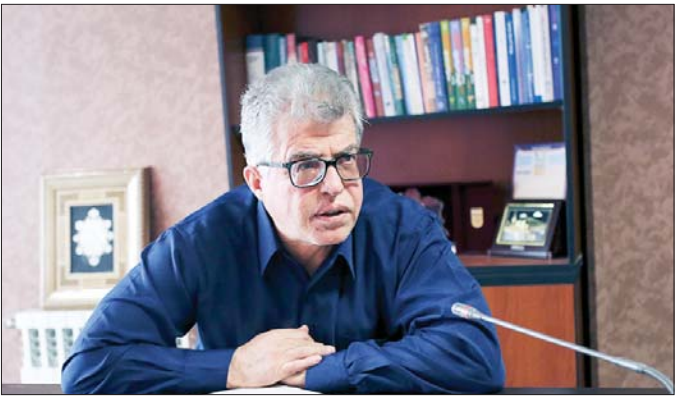
## گفت‌وگو با علی‌اکبر ثقفی درباره اولویت‌های سینمای ایران در ماه‌های پیش‌رو

# تضعیف بخش خصوصی بزرگ‌ترین آسیب به سینمای ایران است

گرفته و متأسفانه می‌بینیم فیلم‌های اجتماعی که پلایه‌دار سینمای ایران در بسیاری از رویدادهای سینمایی جهانی بودند، به حاشیه رانده شدند. در این میان سینماداران از این وضعیت کمال استفاده را می‌کنند؛ چراکه اساسا برای آنها تنها فروش فیلم اهمیت دارد و نوع فیلم مهم نیست و این اتفاق باعث فیلم‌سوزی و نابودی سینمای اجتماعی شده است. چراکه بستری برای ارکان آنها وجود ندارد و اگر معدود فیلم‌های اجتماعی هم ارکان شوند، در سانس‌های محدود و مرده به نمایش گذاشته می‌شوند. این درحالی است که در برخی از پردیس‌ها، فیلم‌های کمدی در یک روز ۶۰ سانس دارند. این را هم باید اضافه‌کنم که نوع حمایت مجموعه‌های تولید فیلم هم نیاز به یک بازبینی اساسی دارد. در این مدت تعداد زیادی از فیلم‌ها از طریق ارکان‌های دولتی حمایت شدند و هزینه زیادی برای ساخت آنها صرف شد ولی درنهایت برخی از آنها به تلویزیون فروخته شدند و یا هزینه تولید فیلم چیزی حدود ۳۰ میلیارد بوده و درنهایت یک میلیارد فروخته است. مبنای ایجاد بنیاد سینمایی فارابی از ابتدا سینمای حمایتی و هدایتی بوده است، اما متأسفانه طی سالیان این تعریف شکل دیگری پیدا کرده، پس فیلم‌های اجتماعی در کدام بخش از حمایت دولت جا دارد؟

**❗ مقصود شما این است که اهالی سینما از نگاه مدیران دسته‌بندی می‌شوند؟**

من معتقدم مدیر نباید به برخی مثل شهروند درجه دو نگاه کند. یک مسئول حکم باران را دارد. باید بر همه چیز یکسان بیارد. من مخالف حمایت از برخی فیلم‌های مذهبی و استراتژیک نیستم؛ سینمای ما به این دست فیلم‌ها هم نیاز دارد. اما می‌توان به شکلی امور را پیش برد که از برخی استعدادهای جوان هم



حمایت کرد. اصلا چیزی به اسم استعدادیابی تعریف نشده است. در حال حاضر متقاضی حضور در سینما نسبت به گذشته بسیار زیاد شده است، اما یک‌دهم گذشته از آنها حمایت نمی‌شود. **❗ شما فکر می‌کنید اولویت‌هایی که در سینما نیاز به بازنگری دارند، چیست؟**
در زمان آقای ایوبی سینمای هنر و تجربه شکل گرفت. وزن این سینما خیلی بالاست. متأسفانه این گروه سینمایی به مرور تغییر ماهیت داد و به جایی رسید که هر فیلمی نمی‌توانست در سینما ارکان بگیرد، در این گروه سینمایی نمایش داده می‌شد. به نظر من این گروه سینمایی ارزش نگهداری و مراقبت زیادی دارد. داستان هنر و تجربه شبیه این ضرب‌المثل «سرنا را از سر گشاد آن می‌زند» شده است. سینمای هنر و تجربه در جهان جایگاه والایی دارد. آثاری مثل «چهارصد ضربه» در این بخش دسته‌بندی می‌شود. یا «خانه دوست کجاست» و «طبیعت بی جان»، «آب، باد، خاک» را فیلم‌های هنری و تجربی می‌دانیم. فیلم‌هایی که به مراتب ارزش بالاتری نسبت به سینمای بدنه دارند.

**❗ عده‌ای از همکاران شما بر حذف پروانه ساخت تأکید دارند، نظر شما چیست؟**

برخی از همکارانم این روزها بر حذف پروانه ساخت تأکید می‌کنند که من خیلی با نظرشان موافق نیستم. فکر می‌کنم بیش از اینکه خواستار حذف پروانه ساخت باشیم، باید گروهی متعلق به بدنه سینما در شورای پروانه ساخت حضور داشته باشند؛ گروهی که یاری‌کننده کارگردان و نویسنده باشند. اگر تشخیص

## موریانه در هنر<sup>(۱)</sup>

### نظام‌الدین امامی‌فر

دانشیار دانشکده هنر

تفرقه شدند.

در این دوره و گذار هنری، نوع جدیدی از هنرمند به نام «هنرمند ارزشی» نام‌گذاری شد که می‌توانست جانشین دیگر هنرمندان مطالبه‌گر باشد. این نوع از هنرمندان می‌توانستند با تکیه بر حمایت تشکیلاتی، در نمایشگاه‌های سفارشی و مناسبتی شرکت کرده و علاوه‌بر تولیدات هنری خاص، مشکل «کمیت هنری» و شعار مسئولان ارشاد را حل کنند. چند سالی بر این منوال گذشت و هنرمندان مستقل، دور و دورتر شدند. روند این نوع از مدیریت منجر به تجزیه انجمن‌ها و تشکل‌های هنری در شهرها و مرکز استان‌ها شد؛ در حدی که ادارات ارشاد مکانی برای صدور مجوز و ممیزی، آن‌هم در سطح نازل شدند. از نتایج این نوع از برنامه‌ریزی هنری نادرست می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گوشه‌گیری هنرمندان صاحب‌نام
- برپایی نمایشگاه‌های نازل هنری و مناسبتی
- انحلال انجمن‌ها و تشکل‌های هنری
- تبدیل گالری‌ها به کافی‌شاپ
- ظهور کیوریتورها یا بی‌نام‌ونشان
- تولید رزومه‌های رنگ‌ووارنگ داخلی و خارجی و…

از مصادیق ناموفق سیاست‌گذاری هنری در سطح کشور در حوزه هنرهای تجسمی بود.

امید که تجدیدنظر در رفتارهای چندانگانه با هنرمندان در حوزه تجسمی، انتخاب مدیران هنری لایق و متخصص و غیر جناحی مورد وثوق قاطبه هنرمندان شاخص در پایتخت، استان و شهرها، قهر هنرمندان با این حوزه از هنر را برای سیاست‌گذاران جدید هموار کند.

### خبربرگزیده

## افتتاح اولین رویداد استارت‌اپی فیلم‌نامه‌نویسی

افتتاحیه اولین رویداد استارت‌اپی فیلم‌نامه‌نویسی، روز یکشنبه هفتم مرداد ۱۴۰۳ در سالن همایش‌های دانشگاه علم‌وفرهنگ با حضور منتخبان و استادان راهنما برگزار شد. در ابتدای این نشست، بهزاد رشیدی، دبیر اجرایی، هدف از برگزاری این رویداد را کمک به ارتقای دانش فیلم‌نامه‌نویسی، شناسایی و همچنین معرفی استعدادهای خلاق فیلم‌نامه‌نویسی در سطح کشور بیان کرد و گفت: فراخوان رویداد استارت‌اپی فیلم‌نامه‌نویسی در زمستان سال گذشته صورت گرفت و قالب‌های مد نظر این رویداد، سه صورت ایده و خلاصه طرح در گونه‌های سینمای بلند، کوتاه داستانی و سریال بوده است.

به گفته دبیر اجرایی، هیئت داوران این رویداد شامل پوران درخشنده، مهدی سجاده‌چی، مصطفی رستگاری، علی مؤذنی و حجت‌الاسلام حسین رحیم‌زاده بودند و این هیئت از میان هزار اثر که ۳۳۲ نفر به دبیرخانه ارسال کرده بودند، اثر را در دو بخش کوتاه و بلند انتخاب کردند که این ۹۸ نفر در یک فضای رقابتی، طی ۹۰ ثانیه طرح و ایده خود را ارائه می‌دهند.

بهزاد رشیدی در ادامه گفت: استادان راهنمای اولین رویداد استارت‌اپی فیلم‌نامه‌نویسی، محمود اربابی، مهدی احمدی، هومان فاضل، فریدون فرهود و رضا حیدرنژاد هستند و طی دوره رویداد بر سر کار گروه‌هایی نظارت می‌کنند که از صاحبان ایده‌های برتر و سایر منتخبان شکل می‌گیرند و ایده خود را به طرح تبدیل می‌کنند.

پس از صحبت‌های دبیر اجرایی اولین رویداد استارت‌اپی فیلم‌نامه‌نویسی، رئیس هیئت ارزیابی آثار در جایگاه خود مستقر شد تا فرایند ارائه ۹۰‌ثانیه‌ای منتخبان آغاز شود. مهدی سجاده‌چی پیش از شروع ارائه این آثار، ضمن توصیف این رویداد به‌منابه مسیر ورود علاقه‌مندان به جریان حرفه‌ای، گفت: امیدوارم این مسیر تداوم پیدا کند. هدف از این رویداد بازشدن راهی برای علاقه‌مندان به فیلم‌نامه‌نویسی است تا در ابتدا وارد جریان آماتوری به معنای دلخواه و سپس وارد جریان حرفه‌ای سینما و تلویزیون یا آثار کوتاه شوند.

با این توضیحات، منتخبان در قالب گروه‌های پنج نفره به ارائه ۹۰‌ثانیه‌ای ایده‌های خود مشغول شدند و پس از پایان این ارائه‌ها ۱۰ نفر به عنوان برترین‌ها انتخاب شد. بر همین اساس نیز ۱۰ گروه کاری شکل گرفت و صاحبان آثار برتر به عنوان سرگروه انتخاب شدند. سایر شرکت‌کنندگان که حائز عنوان اثر برتر نشده بودند نیز در قالب اعضای این ۱۰ گروه قرار گرفتند. براساس برنامه در نظر گرفته‌شده برای این رویداد، اعضای این‌گروه‌ها زیر نظر استادان راهنما، برای شکل‌دهی به طرح کار می‌کنند. طرح‌هایی که در روز پایانی با هم رقابت خواهند کرد.

کارگاه‌های اولین رویداد استارت‌اپی فیلم‌نامه‌نویسی طی سه روز و تا صبح روز نهم مرداد ۱۴۰۳ ادامه خواهد داشت و در روز پایانی، خروجی این کارگاه‌ها در قالب طرح، بایکدیکر رقابت خواهند کرد. این مرحله در عصر روز سوم رویداد و با ارائه حضوری طرح‌های نهایی و داوری طرح‌ها توسط داوران و سرمایه‌گذاران انجام خواهد شد و درنهایت جوایز برگزیدگان ارائه خواهد شد.

اولین رویداد استارت‌اپی فیلم‌نامه‌نویسی در راستای رشد اقتصاد خلاق و کمک به سینمای ایران با همکاری پارک ملی علوم و فناوری‌های نرم و صنایع فرهنگی، خانه سینما، کانون فیلم‌نامه‌نویسان سینما، سازمان سینمایی، دانشگاه علم‌وفرهنگ، سینما تیکت و شرکت صوتی و تصویری سروش برگزار شده است. این کارگاه‌ها از روز ۷ تا ۹ مرداد در جریان بوده و اختتامیه آن عصر سه‌شنبه ۹ مرداد انجام می‌شود.